

بیانیه "زندانیان سیاسی از بند رسته ایران"

اشرف مقاوم و مظلوم، مسیح باز هم مصلوب!

با حمله وحشیانه و جنایتکارانه نیروهای پلیس و ارتش وابسته به دولت نشانده عراق به شهر اشرف و ساکنان بی دفاع آن، افکار عمومی و محافل و افراد انسان دوست جهان و بخصوص هموطنان دردمندان در داخل و خارج از کشور، یکبار دیگر شاهد صحنه های فجیع و دهشتناک درندگی و دنانت مزدورانی بودند که در خاک عراق و البته با الهام از جلادان عمامه دار حاکم بر ایران، به همان شیوه پاسداران جهل و جنون آخوندی، پناهندگان بی پناه و تبعیدیان بی سلاح ایرانی را به خاک و خون میکشیدند.

صرفنظر از اهداف پلید بانیان این تهاجم، و توطئه و تباری طالبان نفت و دلار برای حذف فیزیکی کانون پر تپش اشرف، انعکاس تصاویر "به قصد کشت زدن" و قتل افراد "حفاظت شده" تحت کنواسیون چهارم ژنو، بوسیله سنگ و چوب و چماق و زنجیر و داس و دیلم و تیر و لودر و تیر و تیربار... آنها در حضور نیروهای ناظر امریکایی، برآستی بهت آور و البته تأمل برانگیز است. جنایاتی که تا کنون صدها کشته و مجروح از ساکنان غیر مسلح اشرف برجای گذاشته و 36 نفر از آنان نیز توسط مهاجمان دولتی ربوده و شکنجه شده اند.

با این حال در ورای آنهمه رذالت و ددمنشی مهاجمان عراقی که بیشترشان هم فارسی! صحبت میکردند، پایداری حماسی و مظلومیت فوق تصور مجاهدین اشرف که حتی بدون استفاده از حق مشروع "دفاع از خود" فقط با ایستادن و سپردن سر و سینه های بی حفاظ و بدنهای مجروح خود در برابر متجاوزین وحشی مقاومت میکردند و نهایتاً با ججمه های شکسته و زخمهای عمیق بر پیکرشان به خاک میافتادند ولی تسلیم نمی شدند، برآستی حیرت انگیز و خیره کننده بود. حقیقت تابناکی که یکبار دیگر نقش تعیین کننده عنصر انسانی و انقلابی و برتری اراده و ایمان انسان آگاه و آزادیخواه را حتی در ناعادلانه ترین شرایط در برابر دیدگان مضطرب میلیونها انسان و وجدان جریحه دار شده بشریت در سطح ایران و جهان به نمایش میگذاشت.

با این همه، چه بسا این فاجعه به همین جا ختم نشود و ابعاد هولناکتری به خود بگیرد. گویا در ابتدای قرن بیست و یکم و در برابر دیدگان "جهان متمدن" و در بحبوحه سیاست جدید "تغییر" و ادعای دفاع از "حقوق بشر" باز هم مسیح مصلوب میشود!

البته همزمانی غیراتفاقی و شاید مقدر خیزش و خروش خلق بیخاسته و شعله ور شدن کانون "قیام" در خیابانهای تهران و دیگر شهرهای ایران، با تهاجم جنایتکارانه به شهر اشرف این کانون "انقلابی" ایرانیان تبعیدی محصور در بیابانهای عراق، و همگونی غیرقابل انکار شیوه های سرکوب و کشتار آنان، و همناوی شعارهای محوری در هر دو کانون قیام و انقلاب، و صد البته همرنگی و همبستگی خونهای پاک و جانهای شیفته ایی که در دو سوی مرز بیدریغ نثار میشوند، بطور بلافصل موجب ارتقاء امواج جنبش و تلفیق کانون های مشتعل مقاومت و تشدید مبارزات مردمی میشوند. روندی که منجر به پیوند خوردن کمیتهای عظیم اجتماعی و کیفیتهای نوین انقلابی خواهد شد و این از الزامات پروسه سرنگونی دیکتاتوری تروریستی-مذهبی حاکم بر کشورمان میباشد.

روندی پویا و برگشت ناپذیر که در پرتو رنج و خون و جانفشانی سالیان مجاهدین اشرف و جوانان دلیر تهران و خلق بیخاسته ایران، در امتداد خط خون ندا و ترانه و سهراب و کیانوش... تا حنیف و فردین و سیاوش، موج بیسابقه ای از همدلی و همراهی ایرانیان در داخل و خارج کشور را ایجاد کرده که در فرایند آن، با همبستگی ملی و اتحاد عمل طیف گسترده ای از نیروهای اپوزیسیون رژیم، قطعاً سیر تحولات با شتاب بیشتر و کیفیت بالاتری در جهت دگرگونی بنیادین و تحقق انقلاب نوین و دموکراتیک مردم ایران به پیش خواهد رفت.

البته 30 سال است که مردم ستمدیده ایران در معرض تمامی اشکال و انواع سرکوبها توسط این ملایان بی شرم قرار داشته اند، ولی با همه فراز و فرودها، پیشروی ها و عقب نشینی ها، و شکست و پیروزی های جنبشهای اجتماعی، ملت ایران هرگز تسلیم جلادان بی وطن نشدند و برآستی آیا جنایت و رذالت دیگری باقی مانده که این رژیم پلید در توانش بوده باشد و هنوز بر علیه مردم و پیشگامانش مرتکب نشده باشد.

پرواضح است که از دست نشاندگانی همچون جواد نوری مالکی و باند حکیم و آدمکشان حرفه ای عضو سپاه "بدر" و "قدس" که سالهای سال بر سر سفره به یغما رفته مردم محروم ایران مفت خواری کردند و پرور شدند و حالا بعنوان تحفه ها و محصولات دمکراسی صادراتی کاخ سفید در عراق، همزمان برای ولی فقیه هم جنس خودشان در تهران خوش خدمتی میکنند، انتظاری بیشتر از مزدوری و خونریزی نمیرود.

در ضمن فراموش نکرده ایم که طی سالهای اخیر برخی از خودفروشان و لابیستهای وطن فروش ایرانی در رکاب کمپانی های چند ملیتی و کارتهای نفتی، چطور سراسیمه از نقض حقوق بشر ساکنان اشرف توسط عده ای از خودشان، بیتاب شده بودند و با دیدبانی از بُرجک دلان نفتی امثال "گری سیک" با گزارشاتی از نوع "خروج ممنوع" اشک تمساح میریختند و در عین حال برای همان ساکنان دست بسته اشرف پرونده تروریستی هم میساختند.

ولی در دوران اخیر و در شرایطی که اشرف ماهها در محاصره کامل نظامی قرار داشت و تمامی مایحتاج اولیه و ضروری زندگی و سرویسهای بهداشتی و پزشکی و حتی افراد خانواده شان هم مشمول فرمان "ورود ممنوع" شده بودند، این مدعیان بی پرنسیب و هرجایی که با اصول و واژه های مقدس "حقوق بشر" امرار معاش میکنند، دیگر عملاً دلهره و دلوپسی از پایمال شدن فاحش "حقوق بشر" ساکنان اشرف و چشم انداز عاجل وقوع فاجعه انسانی برای آنان، نداشتند. شاید هم که اساساً و از ابتدا یکی از اهداف و وظایف تعیین شده شان پیشبرد پروژه "شیطان سازی" و طبعاً زمینه سازی همین جنایات اخیر بود.

بی تردید مردم داغیده و مظلوم ایران در فردای ایران و در روز حسابرسی، قضاوت شایسته و عادلانه ای در مورد خدمت و خیانت تک تک افراد و جریانات خواهند داشت.

از طرف دیگر سیاست ننگین مامشات با ملایان تروریست طی دو سه دهه اخیر، همواره به قیمت چشم پوشی دول غربی از نقض وحشیانه حقوق بشر و سرکوب خونین مردم ایران و البته بطور همزمان، با حراج و تاراج منابع طبیعی و انسانی میهن ما ادامه داشته و در همین راستا جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی خلق ستمدیده ما، ضربات جبران ناپذیری را نیز متحمل شده است، که به تبع آن، آخوندهای بی وطن در چنین فضای بین المللی بر عمر حاکمیت غاصبانه خود همی افزوده اند. بنابراین در شرایط خطیر فعلی هم، سستی و بی توجهی دول اروپایی و بخصوص دولت امریکا در رابطه با فاجعه اشرف و تحولات خونین قیام مردم ایران نمیتواند جدای از این روند نکبت بار باشد.

با این حال یک موضوع جدی و اساسی وجود دارد که "دولت اوپاما" نمیتواند به سادگی از کنار آن بگذرد. زیر پا گذاشتن التزامات کتبی و پشت پا زدن به توافقات و تعهدات حقوقی و انسانی در رابطه با حفاظت ساکنان بی دفاع اشرف و سکوت در قبال نقض اشکار معاهدات و کنوانسیونهای بین المللی، و رفع مسئولیت نسبت به رخداد "جنایت علیه بشریت" به هیچ وجه قابل توجیه و پذیرفتنی نیست و قطعاً باعث وقوع فاجعه انسانی بسا بزرگتری خواهد شد که در کوتاه مدت و دراز مدت عواقب سنگین و شرم آور سیاسی و منطقه ای و بین المللی آن بعنوان خیانت به مردم ایران و یک افتضاح بزرگ بر دوش دولت امریکا باقی خواهد ماند. لکه ننگی که در صورت وقوع از دامان مقامات امریکایی و از حافظه تاریخی مردم ایران پاک نخواهد شد. یادآوری میکنیم که با گذشت بیشتر از نیم قرن از سقوط دولت ملی دکتر مصدق فقید، هنوز مردم ایران، نسل اندر نسل تلخی آن واقعه شوم و مشارکت دولت وقت امریکا در آن کودتای ننگین را فراموش نکرده اند.

حال در زمانه ای که بشریت معاصر و جهان متمدن و بخصوص مردم شریف امریکا و قطعاً شخص پرزیدنت اوپاما، جنایت فجیع "لینچ" کردن و زجرکش کردن سیاهان در دهه های گذشته را از تاریک ترین نقاط تاریخ معاصر میدانند، چطور میتوان در آغاز قرن بیست و یکم، جنایات شنیع رفتاری و کشتار زندانیان دست بسته در کمپ "کهریزک" و همچنین له کردن عامدانه پناهندگان بی پناه ایرانی در زیر چرخهای ماشین آلات سنگین و قتل فجیع افراد "حفاظت شده" در اشرف توسط بیل مکانیکی لودر را، مربوط به مسائل داخلی "حاکمیت" کشورهای ایران و عراق قلمداد نمود و با چند ژست دیپلماتیک از کنار آن عبور کرد.

قطعاً مردم هوشیار ایران همانند همه اتفاقات تلخ و شیرین تاریخی پشت سر خود، حق قضاوت و دادخواهی در رابطه با رخدادهای اخیر را نیز برای خود محفوظ خواهند داشت.

ما "زندانیان سیاسی از بند رسته ایران" به عنوان بخشی از شاهدان و بازماندگان جنایات قرون وسطایی رژیم ایران در زندانهای مختلف کشور طی سه دهه گذشته، حمله جنایتکارانه نیروهای عراقی و تروریستهای برون مرزی ملایان حاکم بر ایران به شهر اشرف و ساکنان بیدفاع آنرا قویاً محکوم میکنیم و از خواسته های اعلام شده و مشروع آنان حمایت کامل میکنیم.

تعداد زیادی از همبندان و همسلولی های سابق ما سالهاست که در تداوم مبارزه و مقاومت برای آزادی، در جمع اشرفیان هستند و در تهاجمات وحشیانه اخیر بسیاری از آنان شهید و مجروح و اسیر شده اند. هم اکنون ساکنان اشرف در منتهای مظلومیت و از

خود گذشتگی برای اعتراض به پایمال شدن پایه ای ترین حقوق انسانی و مدنی شان دست به اعتصاب غذا زده اند تا با نثار ذره ذره وجودشان، از حق خود دفاع کنند.

ما که خود سالهای سال بیدفاع و دست بسته در چنگال ملایان جانی اسیر بودیم، و درد و رنج مضاعف ناشی از سکوت یا بی عملی مجامع بین المللی و اهمال قدرتهای جهانی را در رابطه با حقوق "انسان جهان سومی" با پوست و گوشت خود تجربه کرده ایم، ضمن استمداد از تمامی نهادهای حقوق بشری و جوامع سیاسی و مترقی جهانی و ارگانهای ملل متحد، خواهان انتقال حفاظت و کنترل شهر اشرف، تا تعیین تکلیف نهایی، به یک نهاد یا نیروی بیطرف بین المللی جهت تضمین سلامت و امنیت ساکنان محاصره شده و شدت اسیب دیده آن هستیم.

ما "زندانیان سیاسی از بند رسته ایران" در کنار دیگر هموطنان معترض و متحصن در سراسر جهان، مسئولیت انکارناپذیر مقامات سیاسی و نظامی دولت اوپاما را در رابطه با وضعیت تک تک ساکنان اشرف و در قبال رخدادهای شرم آور اخیر و همینطور تمامی اتفاقات و فجایع ناگوارتر محتمل و در چشم انداز، مورد تأکید مجدد قرار میدهیم و بر این باوریم که هرگونه مسامحه و مامشات در ارتباط با فاجعه تجاوز به جان و مال و حریم و حرمت اشرفیان بعنوان افراد "حفاظت شده"، همدستی اشکار با پدر خوانده تروریسم اسلامی و ملایان جانی تلقی میشود.

البته در بدفرجامی دولت دست نشانده نوری المالکی و باندهای مربوطه همین بس که با این جنایت، سرنوشت خودشان را به حاکمیت رو به زوال خامنه ای گره زدند و چه زشتکاری ننگینی را برگزیدند.

و در آخر، ضمن درود به خلق قهرمان و بیپاخاسته ایران، به سران جنایت پیشه حاکم بر کشورمان اعلام میکنیم :
زود باشد که دریابید چگونه زیر و رو خواهید شد!

زندانیان سیاسی از بند رسته ایران

اسامی به ترتیب حروف الفبا:

احمد آسیاباتی	محسن ابودردا	ناهد ابراری	مصطفی احمدی
نسترن احمدی	شاپور احمدی	فاطمه اختری	رضا اخوان
ابوالفضل اخباری	منوچهر اسحاقی	محسن اسحاقی	مهدی اسحاقی
کرامت اسماعیلی	محمد اسماعیلی	مهدی اسماعیلیان	زهرا افشاری
ربابه افراز	جهانگیر اقدامی	صدیقه اکبری	فرزین اکبری
مصطفی الهیاریان	عطیه امامی	همدم امامی	مینا انتظاری
شکرالله باستی	خندان بخشی	لاله بخشی	علیرضا برازجانی
محمد علی برزگرزاده	محمد رضا برگ بیدی	منصور باطنی	جورج باغبانیان
مهدی بندار	اکبر بندعلی	رحیم بنکدار	سعید بهشتی
سیمین بورچی	همنشین بهار	اعظم پاشا	اصغر پهلوانلو

ایران پرتوی	حامد پیرا	شریف پیران	شهرت تاجزاده
بهرام تحریری	فرید تهرانی	محمدحسین توتونچیان	مرتضی توتونچیان
اصغر جدی	اعظم جمالزاده	رضا جدیری	سهراب جوادیان
محمد جوانمردی	مهدی جواهری	مصیب جلالی	مهدی جوادی
امیرحسین جوکار	معصومه جوشقانی	یدالله جهانی	سهیلا چرخکار
امیر حسینی	مصطفی حسینی	ملیحه حسینی	شاهین حسنی
اکرم حیدری	فرخ حیدری	جمال خشنود	کمال خشنود
احد خوش باطن	فریبا دشتی	محسن درودیان	محمود دلاوری
فرشته رحمتی	زهرارزاز	علیرضا رسایی	داوود رضاپور
فیروز رضایی	رضا روستا	مهدی رضوی	بهرام رضوانی
نعیا روشن	حسن ریوندی	محمد علی زمانی	بهزاد زمانیان
مهوش زراعت پیشه	فریدون ژورک	محمود سالخورد	میترا سامانی
زهراسادات معینی	آرش سپهری	سیامک سعیدپور	سعید سعیدی
کامران سقا	حمید سنائی	حمید سیدحسین زاده	تقی سیاح نژاد
ایرج سیادت	زری شایسته	محمد شالباف	امیر شجاعی
صادق شجاعی	مریم شکوه عبدی	منیژه شیری	بهروز شهریاری
شهلا صافی ضمیر (مرجان)	طیب صادقیان	علیرضا صدیقی	شهرام صفاپور
طیبه صفری	خسرو ضیایی	علی عبادی	زینت عباسپور
رضا عباسی	اصغر عباسیان جزی	حسین علیرضایی	شکوفه علیرضایی
عفت عبری	مرتضی عدیلی پور	پوران عطاپور	امید عطری
احمدرضا عموزیدی	جمشید غلامی	فرخ فرخیار	فریبرز فرزاد
مهرداد فراهانی	بتول فگاهی	ابوالفتح فروزنده جو	بهروز قربانی
محمد قربانی	خدیجه کامیار	مهرداد کاوسی	عبدالله کارگر نژاد

مجید کاظم زاده	مهناز کبرایی	امرالله کردستانی	مهدی کرمانشاهی
محمد کشاورز	محمد کشفیان فرد	فلور گزی	کریم گزی
اصغر گلکار نژاد	لعیا گوهری	ناصر گیویان	یدی لرستانی
زری لونی	محسن لونی	محمد رضا ماسالی	دارا مالکی
اکبر مردادیان	اردشیر محبیان فرد	سعید مجیدی	کریم مرادی
وجیهه معینی	غلام مریدی	رضا مشیری	حسن مقصودی
سعید مقصودی	احمد معلمی	هایده معتمد	مرتضی مهاجر
مرجان میرزاده	آفرین میرزا طاهری	فریبرز ممتحن	کاوه ملکی
مجید موسوی	رمضان موسوی	عباس نائیبیان	شیرین نریمانی
شکوه نسب	ناهید نرگسی	فاطمه نیکنام	شمس هادی
فریبا هادی خانلو	فریندخت هادی خانلو	فرید هرماس	محمد یونسی
هایده یونسی			

آدرس ایمیل برای بیان نظرات و پیوستن سایر زندانیان سیاسی به لیست حامیان این بیانیه:

zندانian_siasi@yahoo.com

پانویس:

 * متن خلاصه شده و محوری این بیانیه، به صورت یک نامه رسمی و به زبان انگلیسی، همراه با لیست اسامی زندانیان حمایت کننده، به دفاتر صلیب سرخ جهانی، کمیساریای عالی پناهندگان، عفو بین الملل، دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس جمهور امریکا، سفارت امریکا در بغداد، وزیر حقوق بشر عراق و... ارسال میشود.
 * اسامی بسیاری از همبندان و همسلولی های حامی این بیانیه که ساکن داخل کشور هستند، بدلیل ملاحظات امنیتی در این لیست منظور نشده است.